

بیشتر از این باید به آن می پرداختیم که این گونه نشد.

### در مجموع چه به لحاظ فرم و چه محتوا وضعیت کلی شعر دفاع مقدس را چگونه ارزیابی می کنید.

ببینید به لحاظ فرم شاعران همه قالب ها را در نور دیده اند. چه در حوزه شعر کلاسیک و چه سپید حضور پررنگی داشتند. به نوعی از تمام ظرفیت های موجود در شعر برای دفاع مقدس بهره گرفتند و گاه قالب هایی که مهجور بود به کار گرفته شد. اما به لحاظ محتوا گاه به تکرار رسیده ایم و مضامین تکرار می شود به طوری که برخی شاعران در یک مدار تکراری گردش می کنند و این آسیب بزرگی است که مضمون ها تکراری می شود. البته تاکنون منتقدان در این زمینه بسیار گفته اند و نوشته اند و این تنها حرف من نیست.

### با پایان یافتن جنگ برخی معتقد بودند ما باید به جای شعر دفاع مقدس از تعبیر ادبیات پایداری یا مقاومت نام ببریم چون دیگر دفاع مقدسی وجود ندارد که شعر دفاع مقدس داشته باشد بنابراین باید ادبیات مقاومت و یا پایداری را جایگزین کنیم تا از طرفی به یک اشتراک جهانی یا مقاومت های ظلم ستیز در جهان هم نزدیک شویم، شما نظرتان چیست؟

من هم به دفعات گفته ام اگر بخواهیم صرفاً به شعر دفاع مقدس بپردازیم به دلیل این که مدام از زمان جنگ دورتر می شویم، قاعدتاً این نوع شعر هم مهجور خواهد شد. برای این که این شعر بتواند تداوم داشته باشد باید مخروطی را در نظر بگیریم که این مخروط مقاطع مختلفی را دارد همچون شعر آیینی، اخلاقی و مقاومت و پایداری و دفاع مقدس. این شعر تداوم خواهد داشت اما اگر بخواهیم صرفاً به شعر دفاع مقدس به صورت خاص نگاه کنیم کم کم دور می افتیم دلیلش هم این است که حماسه و مقاومت جزء لاینفک مردم این سرزمین بوده است. حتی شعر عاشورایی و شعر آیینی را هم می توان شعر مقاومت تلقی کرد. پس شعر دفاع مقدس را باید برشی از شعر پایداری و مقاومت بدانیم.

### شما چند سالی است دستی هم در نشر دارید، حوزه نشر شعر و ادبیات دفاع مقدس چه حال و روزی دارد؟

غالباً آمار مختلفی ارائه می کنند که شعر بخشی از این آمار است اما چون من به صورت تخصصی در حوزه نشر شعر فعالیت می کنم می بینم که در شعر دفاع مقدس متأسفانه آثار در حال کم رنگ شدن است و اگر اثری هست ارتباط لازم را برقرار نمی کند.

### چاره چیست؟

چاره همان بحث قبلی ماست که باید شعر دفاع مقدس در زیر چتر شعر مقاومت دیده شود. شما فرض کنید الان بخواهیم به شعر مشروطه بپردازیم، به نظر شما فایده ای دارد؟ قاعدتاً شعر شاعرانه امروز نمی تواند خیلی در حوزه شعر مشروطه وارد شود. البته برخی وقایع هست که زمان و مکان ندارد مثل عاشورا چون مردم با آن زندگی می کنند به همین دلیل تداوم پیدا می کند. شما حتماً به یاد دارید که وقتی زلزله مهیب و در دناک بم رخ داد بیش از ۱۰ هزار قطعه شعر سروده شد ولی امروز کسی برای بم شعر نمی گوید چون مردم با آن ماجرا زندگی نمی کنند.

دفاع مقدس البته تفاوت هایی دارد و به همین دلیل می گوییم باید تداوم داشته باشد اما در حال و هوای ادبیات مقاومت. من در سفرهایی که به کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای عربی داشته ام می دیدم که اصلاً با شعر جنگ میانه خوبی ندارند ولی وقتی از شعر و ادبیات مقاومت نام می ببریم می پذیرند چون معنای مقاومت را در فلسطین، لبنان، افغانستان، ایران، بوسنی و دیگر جاها درک می کنند. مادر فصل مشترک هاست که دیده می شویم نه در آن چه مخصوص خودمان است به هر حال دیگران باید ما را ببینند. شما نگاه کنید بعد از در گذشت ماندلا حتی کشورهای که عامل به زندان افتادن و شکنجه او بودند در مراسم تشییع او شرکت کردند، این به آن معناست که جهان مقاومت را ستایش می کند. پس ما باید در زیر آن مخروط مقاومت قرار بگیریم که سهمی از آن دفاع مقدس خواهد بود.

یاران چه غریبان، رقند از این خانه  
هم سوخته شمع ما، هم سوخته پروانه  
بشکسته سبزه ها، خون است به دل هلمان  
فریاد و فغان دارد، دردی کش میخانه  
هر سویی نظر کردم، هر کوی گذر کردم  
خاکسترو خون دیدم، ویرانه به ویرانه  
افتاده سری سویی، گلگون شده کیسویی  
دیگر نبودستی، تا موی کند شانه  
تا سرب بدن باشد، این جامه کفن باشد  
فریاد اباد ما، ره بسته به بیگانه  
بجند سروری کو، سرمستی و شوروی کو  
هر کوزه گلگون کشته، هم ریخته چمانه  
آتش شده در خرمن، وای من و وای من  
از خانه نشان دارد، خاکستر کاشانه  
ای وای که یار انم، گل های بهار انم  
رقند از این خانه، رقند غریبان